

ادبیات معاصر عربی در آمریکا
ادبیات مهجر شمالی



دکتر سردار اسحاقی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

سرشناسه	اصلائی، سردار، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	ادبیات معاصر عربی در آمریکا: ادبیات مهاجر شمالی / مولف سردار اصلائی
مشخصات نشر	اصفهان: نخبگان شهر اندیشه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۸۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۶۳-۴-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص: ۲۷۲-۲۶۵.
موضوع	ادبیات عربی — ایالات متحده -- تاریخ و نقد
موضوع	ادبیات مهاجرت (نویسندگان عرب) -- ایالات متحده
موضوع	ادبیات مهاجرت (نویسندگان عرب) -- قرن ۲۰ م.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۲ الف ۴۶۰ / الف ۴۶۰ PJ۸۵۳۴۰
رده‌بندی دیوپی	۷۰۹/۸۹۷
نمونه کتابشناسی ملی	۳۳۹۲۸۲۱



نخبگان شهر اندیشه

ادبیات معاصر عربی در آمریکا (ادبیات مهاجر شمالی)

تألیف : دکتر سردار اصلائی

تایپ	آسیه لاریجه
اجرای گرافیک متن	نفسه میرفندرسکی
طراحی جلد	احمد آقا قلی زاده
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۳۹۳
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۱۵۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۶۳-۴-۰

تمامی حقوق محفوظ است.

انتشارات نخبگان شهر اندیشه / اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۶۶۱۶۲۰۴

۱۱	مقدمه
فصل اول: ادبیات مهجر	
۲۰	شکل‌گیری ادبیات مهجر
۲۶	انجمن‌های ادبی در ادبیات مهجر
۲۶	۱. الرابطة القلمیة
۲۸	۲. العُصبة الأندلسیة
۳۱	۳. رابطه منبرفا
۳۲	۴. الرابطة الادبیة
۳۲	۵. جامعة القلم در سائوپولو
۳۲	عوامل مؤثر در ادبیات مهجر
۴۱	عنصر زن در ادبیات مهجر
۴۳	فنون ادبی در ادبیات مهجر
۴۷	نمونه نثر جبران خلیل جبران
فصل دوم: الرابطة القلمیة	
۵۴	پیدایش الرابطة القلمیة
۵۸	آرام الرابطة القلمیة و تحلیل پیام آن
۶۱	اعضای الرابطة القلمیة و آثارشان
۶۶	همگاهنگی اندیشه و بیان اعضای الرابطة
۷۰	ویژگی‌های الرابطة القلمیة
۷۱	۱. تأمل
۷۸	۲. رهایی از قالب‌های سنتی
۸۵	۳. گرایش انسانی
۹۳	۴. عشق به طبیعت
۱۰۶	۵. آزادی دینی
۱۱۳	۶. سوز و گداز برای وطن

۱۲۰	۷. استقلال ادبا در سبک ادبی
۱۳۲	۸. عدم تکلف و سادگی در بیان
۱۳۸	۹. نوآوری در وصف ادبی
۱۴۵	۱۰. شکل‌گیری در دیار غربت
۱۴۶	۱۱. توجه به معنای لفظ و کم‌توجهی به ظاهر
۱۴۹	۱۲. ادبیات به عنوان ارزشی فراگیر در خدمت نوع بشر
۱۵۵	۱۳. ادبیات رابطه القلمیه حامل پیام بود
۱۷۰	۱۴. فهم جدید از ادبیات، هستی و پیوند این دو در آثار ادبای رابطه
۱۷۸	۱۵. برخورداری از گرایش فلسفی، معنوی و اجتماعی
۱۸۳	۱۶. تمرکز بر اصل موضوع
۱۸۵	۱۷. تنوع در استفاده از مکاتب و فنون ادبی
۱۸۷	۱۸. خوش‌بینی به نظام هستی
۱۸۹	۱۹. تجرور ارزش‌های اخلاقی و انسانی در آثار ادبی رابطه القلمیه

فصل سوم: دیدگاه‌های رابطه پیرامون ادبیات، نقد ادبی و رمانتیسیم در رابطه القلمیه

۱۹۴	ادبیات
۲۰۳	مأموریت و پیام ادبیات
۲۰۴	محور ادبیات
۲۰۵	شعر و شاعر
۲۱۱	نقد ادبی
۲۱۲	مأموریت ناقد ادبی
۲۱۴	دلیل اختلاف آراء منتقدان ادبی
۲۱۴	جایگاه و موقعیت منتقد ادبی
۲۱۶	معیارهای نقد و ادبیات
۲۲۰	نمونه‌هایی از نقد ادبی رابطه القلمیه
۲۲۱	پیوند نقد و ادبیات با هستی
۲۲۴	رمانتیسیم
۲۲۴	مفاهیم واژه‌های رمانتیسیم، رمانتیک و رمانس
۲۲۶	پیش رمانتیسیم
۲۲۷	انواع رمانتیسیم

۲۲۸	 ورود رمانتیسیم به ادبیات عرب
۲۳۱	 رمانتیسیم در رابطه القلمیه
۲۳۶	 نوع رمانتیسیم جبران

فصل چهارم: نقد و نظر

۲۶۰	 علل گرایش رابطه القلمیه به رمانتیسیم
۲۶۳	 نقش رابطه القلمیه در بویایی و شکوفایی ادبیات معاصر عربی
۲۶۶	 ارزش ادبیات مهجر شمالی از منظر منتقدان و صاحب نظران ادبی

ضمیمه

۲۷۰	 دیدگاه‌های دینی جبران خلیل جبران و نقد آن
۲۸۱	 فهرست منابع
۲۸۲	 منابع عربی

www.ketab.ir

کشورهای سوریه و لبنان در قرن نوزدهم گرفتار بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شدیدی بودند. وجود حاکمیت دیکتاتوری و فشار اقتصادی، کشمکش‌های قومی و مذهبی - مسیحی - روز به روز حلقه محاصره را بر مردم تنگ‌تر می‌کرد. در این شرایط بسیاری از آنها، راه مهاجرت به کشورهای دیگر را در پیش گرفتند گروهی به مصر، و گروه‌هایی نیز به آمریکای شمالی و جنوبی کوچ کردند. در میان شهروندانی که به آمریکا مهاجرت کردند، افرادی سرشار از ذوق ادبی و هنری حضور داشتند. اینها انسان‌هایی با فضیلت و با عواطف شدید انسانی بودند، و به سبب این که آرمان‌های اعتقادی و اخلاقی آنها در عرصه کشورهای لبنان و سوریه زمینه اجرایی پیدا نکرد، مشکلات مهاجرت و دوری از خانواده، دوستان و بستگان را به جان خریدند. گروهی از صاحبان ذوق ادبی در آمریکای شمالی و گروهی دیگر در کشورهای آمریکای جنوبی نظیر برزیل، آرژانتین و اروگوئه ... سکونت اختیار نمودند. مهاجرین به آمریکای شمالی، جریان ادبی «الرأبطة القلمیة» را به ریاست جبران خلیل جبران و مهاجرین به آمریکای جنوبی، مجموعه ادبی «العصبة الأندلسیة» را به ریاست میثال معلوف تشکیل دادند. برغم اینکه تعداد اعضای جریان مهاجر شمالی کمتر از جریان مهاجر جنوبی بود، اما این جریان به حدی شکوفا شد که ذکر نام ادبیات مهاجر در محافل علمی و ادبی تداعی کننده نام الرأبطة القلمیة و رئیس آن، جبران خلیل جبران می‌باشد.

قبل از بیان و معرفی اجمالی فصل‌های پایان نامه، یادآوری دو نکته ضروری است:

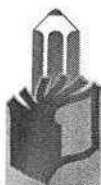
۱. قلمرو زمانی تحقیق از سال (۱۹۲۰م) تا (۱۹۲۱م) و قلمرو مکانی آن آمریکای شمالی - محل حضور و فعالیت اعضای الرأبطة - است.

۲. روش تحقیق این پژوهش ترکیبی از روش‌های وصفی، تاریخی، علی و استنباطی می‌باشد. در این پژوهش بیشتر از روش وصفی بهره گرفته شده، زیرا این روش آنچه را که هست وصف و تفسیر می‌کند و به شرایط، دیدگاه‌های متداول، فرآیندهای جاری، و آثار مشهود و عینی توجه دارد. در گردآوری داده‌ها و اطلاعات اولیه پیرامون موضوع، بیشتر سعی ما بر این بوده که از منابع دست اول که توسط خود متولیان الرأبطة القلمیة تدوین شده، بهره ببریم.

کتاب کنونی شامل چهار فصل به قرار ذیل است:

فصل اول، ضرورت وجود این فصل در این است که بدون شناخت اجمالی از ادبیات معاصر، شناخت ادبیات مهاجر و پیوند تنگاتنگ این دو با مهاجر شمالی یا الرأبطة القلمیة میسر نیست. آگاهی از چگونگی و زمان آغاز ادبیات معاصر، و ویژگی‌ها، تحولات، عوامل پیشرفت آن و همچنین کیفیت ارتباط آن با ادبیات مهاجر برای خواننده کتاب حاضر ضرورتی انکارناپذیر است. از این جهت این فصل به عنوان زمینه ذهنی و حلقه پیوند مطالب تدوین گردید.

فصل دوم تحت عنوان ادبیات مهاجر و شامل موضوعات ذیل است: شکل‌گیری ادبیات مهاجر، انجمن‌های ادبی در ادبیات مهاجر، عوامل مؤثر در ادبیات مهاجر، عنصر زن در ادبیات مهاجر و فنون ادبی در



ادبیات مهجر. این فصل حلقه دوم اتصال بعد از معرفی اجمالی ادبیات معاصر عربی است. در این فصل خلاصه‌ای از چگونگی شکل‌گیری ادبیات مهجر و انجمن‌ها و عواملی که در تکوین اندیشه این ادبیات مؤثر واقع شد، و همچنین عنصر زن، و فنون ادبی بیان شده است.

در موضوع شکل‌گیری ادبیات مهجر، به عوامل هجرت عرب‌های سوریه و لبنان به آمریکا و احساس مسؤولیت آنها در سرزمین غربت نسبت به احیا و تجدید ادبیات عرب، و در نهایت به تشکیل انجمن‌ها و جریانات ادبی پرداخته شده است. منظور از عوامل مؤثر در ادبیات مهجر جریان‌ها و اشخاصی می‌باشند که بر این ادبیات اثر گذاشته‌اند: مثل حرکت تجدید در ادبیات معاصر عربی و نمایندگان آن امثال منفلولی، طه حسین، احمد حسن الزیات، و جریان‌های رمانتیکی مثل مکتب دیوان، جماعت ادبی آپولو، فرهنگ و تفکر شرق اسلامی، ادبیات اندلس، و عوامل خارجی نظیر رمانتیک‌های فرانسوی، انگلیسی و آمریکایی.

در موضوع عنصر زن به این واقعیت پرداخته شده که حضور زن در ادبیات مهجر و بویژه بخش شمالی آن بسیار ناچیز است. شاید علت آن را بتوان در شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر لبنان و سوریه و مشکل مهاجرت زنان به آمریکا جستجو کرد. در فنون ادبی مهجر نیز عناوینی مانند، شعر، نثر، مقاله ادبی، داستان، نمایشنامه، شرح حال‌نویسی و نقد ادبی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

فصل سوم از انجمن‌ترین فصل‌های پایان‌نامه حاضر محسوب می‌شود. در این فصل موضوعاتی چون پیدایش الرابطة القلمیة، آرم الرابطة و تحلیل پیام آن، اعضای الرابطة و آثارشان، هماهنگی اندیشه و بیان اعضای الرابطة به چشم می‌خورد. در پیدایش الرابطة بعد از نقش مهاجرت و احساس مسؤولیت ادبای مهاجر، به نقش نسیم عریضه و مجله‌اش «الفنون» و عبدالمسیح حداد و نشریه میان‌هفتگی وی «السائح» و سپس نقش محوری و کلیدی جبران خلیل جبران و مشاور وی، میخائیل نعیمه پرداخته‌ایم. در عنوان «آرم الرابطة القلمیة و تحلیل پیام آن» ابتدا به بیان و توضیح طرح آن پرداخته شده و سپس به ترجمه و تحلیل شعر آن یعنی: «لله کُنُوزٌ تحت العرشِ مفاتیحها السنة الشعراء» خداوند گنج‌هایی زیر آسمان دارد که کلید آن زبان شعراست، اقدام نموده‌ایم.

در موضوع اعضای الرابطة، اول به اسامی اعضای آن و سپس به آثار ادبی و نقدی آنها اشاره رفته است. اکنون بعد از ذکر نام متولیان و اعضای عادی این مجموعه ادبی، به طور مختصر به مهمترین آثار آنها اشاره می‌رود:

متولیان الرابطة عبارتند از: جبران خلیل جبران، رئیس و میخائیل نعیمه، مشاور و ویلیام کاتسفلیس، حسابدار، اعضای عادی الرابطة عبارتند از: ایلیا ابوماضی، نسیم عریضه، عبدالمسیح حداد، رشید ایوب، ندره حداد، ودیع باحوط و الیاس عطاءالله.

این افراد اعضای رسمی جریان ادبی مهجر شمالی بودند. در کنار اینها افراد دیگری بودند که عضو الرابطة نبوده ولی به سبک آن می‌نوشتند و می‌سرودند. این اشخاص عبارت بودند از: ویکتوریا طنوس، نجلا ابواللمع معلوف، فیلیپ عقل، فرید غصین، حبیب عیسی، عبدالله صالح، عباس نصرالله، و ابراهیم داغر. غیر از اینها افرادی مانند دکتر احمد زکی ابوشادی، مؤسس جماعت ادبی آپولو، بعد از مرگ



جبران و تعطیلی رابطه در نیویورک به فضای ادبی رماتیکی مهجر شمالی پیوست. لازم به ذکر است که امین الريحانی برغم حضور در آمریکای شمالی و هماهنگی با اندیشه و بیان ادبای رابطه و تدوین کتب خود به سبک آنان، هرگز عضویت رابطه را نپذیرفت. علت نپیوستن وی به جریان ادبی مهجر شمالی، اختلاف سلیقه‌ای بود که با بعضی از اعضاء از جمله جبران خلیل جبران داشت.

آثار عربی جبران عبارتست از: موسیقی، عرائس المروج، الارواح المتمرده، الأجنته المتکسرة، دمعة و ابتسامة، المواقب، العواصف و البدائع و الطرائف. آثار انگلیسی جبران که به عربی ترجمه شده عبارتست از: المجنون، السابق، النبی، رمل و رتد، يسوع بن الانسان، آلهة الارض، التائه و حديقة النبی. آثار نعیمة عبارتست از: الغریبال، فی الغریبال الجدید، الآباء و البنون، لقاء، کان ما کان، مذكرات الارقش، المراحل، دروب، کرم علی الدرب، سبعون در سه جلد، جبران خلیل جبران، همس الجفون، الأوثان، اليوم الاخير، احادیث مع الصحافة، البیادر، زادالمعاد، ایوبطة و ترجمة النبی اثر جبران از انگلیسی به عربی، از لمبرده مقالات فراوانی در مجله «السائح» و «مجموعه ادبی رابطه القلمية» نیز به چاپ رسید.

آثار ادبی ایلیا ایوماضی عبارتست از: دیوان‌های «تذکار ماضی» و «الجداول» و «دیوان ابی ماضی» نسیم عریضة دیوان «الارواح الحائرة» را چاپ کرد. وی داستانی بلند به نام «أسرار البلاط الروسي» را ترجمه نمود. او برغم داشتن تشری زیبا و جذاب و مقالات زیاد، کتاب مستقلى به جز ترجمه مذکور به چاپ نرساند. وی داستان‌های «دیک الجن الحمصی» و «المصمامة» را در مجموعه رابطه القلمية به زیور طبع آراست. عبدالمسیح حداد صاحب مجله السائح کتاب داستانی به نام «حکایت مهجر» دارد. از وی مقالاتی هم در السائح به چاپ رسید. ندره حداد، دیوان شعری به نام «وراق الخریف» دارد. ویلیام کاتسفلیس، حسابدار رابطه، کتابی به زبان انگلیسی موسوم به «تمدن عرب» را به چاپ رساند. برغم اینکه نامبرده مقالات عریضه‌ای داشت، و سخنرانی‌های زیادی را در محافل ادبی ترتیب داد، ولی این آثار در جایی منتشر نشده است. از وی در باحوط یک مقاله به اسم «البرغشة» در مجموعه ادبی رابطه القلمية منتشر شد. الیاس عطاءالله از زمان تأسیس رابطه اثری را تدوین نکرد. فقط یک مقاله از وی به نام «الله» در سال (۱۹۰۸ م) یعنی دوازده سال قبل از شکل‌گیری رابطه در مجله «سركیس» منتشر گردید.

موضوع دیگری که در فصل سوم کتاب به آن پرداخته شده، هماهنگی اندیشه و بیان اعضاء رابطه است. ادبای رابطه از استقلال در شخصیت، اندیشه و بیان برخوردار بودند. صرف‌نظر از اینکه آنها با هم تعامل فکری و ادبی داشتند، ولی هر کدام از استقلال خاصی برخوردار بودند. علت این مسأله به اندیشه، احساس، عاطفه و تجارب شخصی هر کدام از آنها برمی‌گردد. دستاوردهای آنها حاصل تلاش خودشان بود. برغم این حقیقت که این ادبا از ویژگی استقلال برخوردار بودند، اما نگاهی گذرا در آثارشان، به وضوح، مسأله هماهنگی در اندیشه و سبک بیان آنها را نشان می‌دهد. همین هماهنگی بود که توانست ادبایی با سلیقه‌ها، تجارب و توانمندی‌های مختلف را در یک جریان ادبی، و با اهداف مشترک با هم گردآورد.

آخرین موضوع فصل سوم ویژگی‌های رابطه القلمية است. شاید بتوان گفت اساسی‌ترین بخش



کتاب همین موضوع است. در این قسمت ما به نوزده ویژگی به عنوان ویژگی‌های رابطه پرداخته‌ایم. گفتنی است که حدود نیمی از این ویژگی‌ها بکر و جدید است و در کتاب‌های مربوط به موضوع وجود ندارد. رابطه القلمیه در مقایسه با العصبه الاندلسیه از برجستگی، شکوفایی و بالندگی خاصی برخوردار است. عوامل این شکوفایی به این نوزده ویژگی بستگی دارد:

۱. تأمل، این کلمه به معنای پیوستن به خداوند از طریق اشراق و الهام درونی است. نمادهای تأمل عبارتند از: خداوند، نفس انسان، عشق، طبیعت و مرگ و زندگی. از ویژگی‌های برجسته و منحصر به فرد رابطه القلمیه تدبیر در نظام هستی، حقایق آن، انسان و ویژگی‌های اوست. ادبای رابطه در ماورای زندگی مادی و حیات معمولی بشر وارد شدند، و خود را از زمین و اهل آن جدا کرده و در فضای خیال و اندیشه بشری که حد و مرزی ندارد به تدبیر و پرواز روحی پرداختند. این حالت به حدی در ادبای مهجر شمالی بارز و قوی است که صاحب نظران و منتقدان ادبی، ادبیات مهجر شمالی را به ادبیات تأمل می‌شناسند.

۲. رهایی از قالب‌های سنتی، ادبیات معاصر عرب تا قبل از ظهور و شکوفایی ادبیات مهجر، بیشتر در سبک‌های گذشته بویژه سبک عباسی فعالیت می‌کرد. آثار ادبی فراوانی به سبک ادبیات کلاسیک عرب و در معارضه و مسابقه با آن تولید می‌شد. لذا یک حالت جمود، ایستایی و عدم ابتکار بر فضای ادبیات عرب سایه افکنده بود. ادبای رابطه با درک و احساس این بحران فکری و ادبی و به تأثیر از رمانتیسم اروپایی به ابتکار، نوآوری و ترک قالب‌های سنتی در زبان و ادبیات روی آوردند.

۳. گرایش انسانی، در زبان ادبیات، جهت‌گیری ادبا و اهل اندیشه و عشق شدید به همه نمادهای هستی و در رأس آنها انسان، «گرایش انسانی» نام دارد. علاقه به ارزش‌های انسانی و تلاش برای احیای فضیلت در جوامع بشری از مصادیق بارز گرایش انسانی است. پیوند قلبی و محبت به کل نظام هستی و بویژه خداوند و انسان در آثار ادبای رابطه تبلور جدی دارد.

۴. عشق به طبیعت، ادبای رابطه از مشتاقان طبیعت بوده‌اند. شیفتگی به جنگل، کوه، دریا و زمین در همه آثار این ادبا خودنمایی می‌کند. آنها با طبیعت نفس می‌کنند و با آن ارتباط ناگسستنی دارند. طبیعت منبع الهام و اشراق روحی و بستر مناجات آنان است. از نگاه ادبای مهجر شمالی همه چیز در طبیعت، زنده، پویا، مخلص، و یکرنگ است. هر چند که عشق به طبیعت در تمام دوران‌های ادبیات عرب وجود داشته، ولی در ادبیات مهجر شمالی از شدت و جدیت خاصی برخوردار می‌باشد. این حالت نتیجه شرایط روحی ادبای مهاجر، و تأثیر مکتب رمانتیسم در آنها است.

۵. آزادی دینی، آزادی یکی از ارکان اصلی خیمه ادبیات مهجر شمالی می‌باشد. آزادی در این جریان ادبی اعم از سیاسی، اجتماعی، فکری، دینی و ادبی است. ادبای مهجر شمالی قائل بودند که برای رشد و تعالی بشر باید از هر قید و بندی رها شد! شایان ذکر است که منظور آنها از قید و بند، ظاهراً مقررات دینی بشر ساخته می‌باشد. این ادبا در اظهارات خود حقایق الهی را مطلق می‌دانند و با اصل دین مشکلی ندارند. اینها بیشتر با کشمکش‌های دینی و فرقه‌ای در بین مسیحیت مخالف بودند. و از این رو شعار آزادی از قید و بند ادیان و لزوم دین فردی و عاطفی! را مطرح کردند.



۶. سوز و گداز برای وطن، برای هر کسی که از وطن خود دور شده باشد، دلتنگی و شوق به وطن مطرح است. حالت سوز و گداز با شدت تمام در میان ادبای رابطه که در دیار غربت زندگی می‌کردند مطرح بود. ادبای مهاجر از سوریه و لبنان، آرزوهای وسیع‌تر از فضا و طولانی‌تر از اشعه خورشید داشتند. وقتی که این آمال با زندگی مادی و ماشینی روبرو شد، و ادبا آرمان‌های خود را از دست رفته، یا دست نیافتی دیدند، دچار حالت سوز و گداز شدند. عجین شدن این حالت با زندگی در غربت و دلتنگی برای کشور، خانواده، دوستان و بستگان تأثیر فوق‌العاده‌ای بر این ادبا داشت. از این جهت آنها در هر فرصت مناسبی با تنهایی و اشک و ناله همدم می‌شدند.

۷. استقلال ادبا در سبک ادبی، اگر ادیبی خود صاحب اندیشه بوده و از استقلال ادبی برخوردار باشد. قطعاً دارای سبکی خاص و منحصر به فرد می‌شود که از سبک‌های دیگران متمایز و برجسته است. از این رو ادبای مقلد از جانب خود سبک ندارند. اما ادبای مهجر شمالی به دلیل اندیشه مستقل و رهایی از قیود قدیم و نفی تقلید، دارای سبک‌های مستقل و منحصر به فرد هستند. در حالی که آنها از مکتب‌گرایی مانند فرهنگ عربی، زبان، گرایش رمانتیک، سمبولیستی و ویژگی‌های شخصیتی خاصی برخوردار بوده، هر کدام نیز روش و سبک ادبی مستقل و ویژه برای خود داشتند.

۸. عدم تکلف و سادگی در بیان، ادبای رابطه به خوبی بحران تکلف در آثار شعرا و ادبای معاصر را درک کرده و دانستند که شعرایی چون حافظ ابراهیم، معروف الرصافی و احمد شوقی و... از طریق استحکام قدرت لفظی، چهارچوب‌های شعر دوران عباسی و به تقلید از قدما توانستند در میان مشتاقان ادبیات جایگاهی پیدا کنند. از این رو آنها قالب‌های متداول، سنتی و پیچیده را ترک نموده و با ابداع نثری جذاب، دلنشین و شعری با الفاظ نرم و سبک، دل و جان مخاطبان را مجذوب آثار خود کردند. جبران و یارانش بر این باور بودند که سادگی، نرمی، روان بودن لفظ و عبارت و داشتن آهنگ، نقطه ثقل و زیبایی در شعر و هنر است.

۹. نوآوری در وصف ادبی، وصف در مهجر شمالی از موضوعات محدود خارج شد و به مسائلی که در ارتباط با انسان و هستی بود، گسترش پیدا کرد. مرزهای این وصف به تمام چیزهایی منتهی می‌شد که در خیال وسیع بشری در جریان بود. همه امور انسانی، عاطفی و اجتماعی در محدوده وصف مهجر شمالی قرار گرفت. در این ادبیات، وصف مصادیق خاص انسانی و با امور بی‌خاصیت مثل وصف نبردهای ممدوح و آلات و ادوات زینتی قصر یا ابزارهای جنگی، به طور کلی مورد بی‌توجهی قرار گرفت.

۱۰. شکل‌گیری در دیار غربت، ادبیات مهجر شمالی با هجرت اهل ذوق و هنر در آمریکای شمالی شکل گرفت. این ویژگی در ادبیات معاصر عرب بی‌سابقه است. زمانی که یک مکتب یا انجمن ادبی در سرزمین غیربومی و خارجی شکل بگیرد، مشخصه‌هایی خواهد داشت، که آن را از مکاتب و انجمن‌های ادبی شکل گرفته در سرزمین مادری متمایز می‌کند. جریان ادبی رابطه به همین دلیل ویژگی‌های خاص خود را دارد.

۱۱. توجه به معنای لفظ و کم‌توجهی به ظاهر آن، از ویژگی‌های برجسته ادبیات مهجر شمالی



کم‌توجهی به ساختار لفظ و عنایت ویژه به مفهوم و پیام آن است. ادبای رابطه برعکس متقدمین، اعتقاد داشتند که قواعد نحوی، بلاغی و عروضی، وسیله‌ای برای زبان زیبا و کارآمد و نیز به عنوان پلی برای رساندن پیام و محتوای ادبیات به مخاطبان آن است.

از این جهت این ادبا پیام زبان و ادبیات را اصل و ظواهر آن را فرع مسأله انگاشتند. آنها بر این باور بودند که محتوا و رسالت ادبیات نباید با عنایت فوق‌العاده به ظاهر زبان مورد غفلت قرار گیرد.

۱۲. ادبیات به عنوان ارزشی فراگیر در خدمت نوع بشر، ادبیات عرب بیشتر عمر خود را صرف مدح، فخر، بیان افتخارات قومی، ملی، طایفه‌ای و خدمت به حاکمان و درباریان نمود. ادبای مهجر شمالی به ادبیاتی که در خدمت مسائل یاد شده، خواص و مصادیق جزئی باشد، نداشتند. از منظر آنها ادبیات موهبتی الهی است و باید در خدمت نوع بشر قرار گیرد. ادبیات ارزشی انسانی و فراگیر است که با خدمت به خواص و مصادیق معین از رسالت و هدف اصلی خود خارج و منحرف می‌شود.

۱۳. ادبیات رابطه حامل پیام بود. برخلاف عقیده گروهی از ادبا مبنی بر «ادبیات برای ادبیات»، ادبای رابطه برای ادبیات خود، پیام و رسالت مقدس قائل بودند. آنها به خنثی بودن ادبیات اعتقاد نداشتند و بر این باور بودند که رسالت والای ادبیات کمک به شناخت بشر از خویش و هدف از خلقت و غایت هستی است. ادبی که چنین باوری نداشته باشد. از نظر آنان بر ادبیات و پیام متعالی آن خروج کرده و در دایره ادبیات و ادبا جای نمی‌گیرد.

۱۴. فهم جدید از ادبیات و هم‌تنی و پیوند این دو در آثار ادبای رابطه، تعاریف جدیدی از ادبیات و وظیفه آن در ارتباط با هستی و انسان توسط این ادبا مطرح شد. هر چند که بیشتر به فقدان تعریفی جامع و مانع از ادبیات قائل بودند. ادبیات از منظر نظریه‌پرداز رابطه بیان زیبا و صادقانه از نفس انسانی است. ویژگی صداقت در بیان از نفس، اندیشه و گرایش جدیدی بود که ادبای گذشته کمتر به آن توجه کرده بود.

۱۵. برخورداری از گرایش فلسفی، معنوی و اجتماعی، به طور معمول مکتب‌ها جریان‌های ادبی به زمینه خاص گرایش پیدا می‌کنند. یا این گرایش، در زمینه تفسیر هستی و حقایق عالم وجود و تأمل در امور معنوی و یا در زمینه امور انسانی و اجتماعی است. اما ادبیات رابطه ضمن داشتن گرایش فلسفی و معنوی به واقعیات انسانی و اجتماعی نیز عنایت فوق‌العاده‌ای داشت.

۱۶. تمرکز بر اصل موضوع، ادبای رابطه در هنگام شروع قصیده یا مقاله نثری بر موضوع اصلی تمرکز کرده و بدون اتلاف وقت خود و مخاطبان، به طور مستقیم و بی‌واسطه به اصل مطلب پرداخته و از آوردن مقدمه طولانی و بی‌ثمر پرهیز کرده‌اند. گاهی مطالعه یک عنوان یک یا دو صفحه‌ای از آثار ادبی آنها، چنان برای خواننده مفید و مثمرتر است که او را از مراجعه به کتاب‌های دیگر در آن زمینه خاص بی‌نیاز می‌کند.

۱۷. تنوع در استفاده از مکاتب و فنون ادبی، بیشتر مکتب‌ها و جریان‌های ادبی از روشی خاص بهره گرفته و آن را به کار می‌بندند. ولی جریان رابطه القلمیة برخوردار از تنوع در سبک‌های ادبی بود. این جریان بیشتر سبک رمانتیکي داشت، اما از سبک‌های واقع‌گرایی، سمبولیسم و گاهی از



سورئالیسم نیز بهره می‌برد. علت تنوع در استفاده از شیوه‌های مختلف ادبی، اثرگذاری بیشتر آن بر مخاطبان است. ادبای این جریان ادبی نیز به همین منظور سبک‌های مختلف را در آثار خود به کار گرفتند. از جهت تنوع استفاده از فنون ادبی، باید گفت که ادبیات مهجر شمالی به تمام فنون ادبی پرداخت. این ادبیات از شعر، نثر، داستان کوتاه و بلند، نمایشنامه و مقاله ادبی استفاده کرد.

۱۸. خوش‌بینی به نظام هستی، ادبای رابطه برغم بدبینی به اوضاع اجتماعی و انسانی، فوق‌العاده به نظام هستی و مقررات آن اعتقاد و بینش مثبتی داشتند. این خوش‌بینی در حدی بود که آنها بحران‌ها و حوادث غیرمترقبه را نیز باعث خیر و برکت می‌دانستند. این وضعیت حاصل تأمل و تدبر آنها در حقایق هستی بود.

۱۹. تبلور ارزش‌های اخلاقی و انسانی در آثار ادبی رابطه القلمیه، با نگاهی گذرا در آثار ادبی رابطه تبلور ارزش‌های اخلاقی و انسانی به وضوح مشاهده می‌شود. نتیجه طبیعی گرایش انسانی و اعتقاد به ادبیات به عنوان ارزشی فراگیر، تبلور ارزش‌های اخلاقی و انسانی در آثار ادبای رابطه بود. این ویژگی از برجسته‌ترین ویژگی‌های جریان ادبی مهجر شمالی محسوب می‌شود.

فصل چهارم کتاب به دیدگاه‌های نقدی و ادبی رابطه و پیوند آن با هستی و رمانتیسم در رابطه اختصاص دارد. در این فصل ضمن بیان دیدگاه‌های ادبای این جریان به ویژه نظریه‌پردازان آن، میخائیل نعیمه پیرامون نقد و ادبیات به رمانتیسم و چگونگی ورود آن در ادبیات معاصر عرب و ادبیات مهجر شمالی نیز پرداخته شده است. فصل پنجم و نهایی کتاب اختصاص به نقد و نظر دارد. یعنی در مورد بسیاری از موضوعات مطرح شده در فصل‌های گذشته به صراحت اعلام‌نظر شده و در مواردی نیز با نقد و تحلیل و رد و قبول همراه شده است. در این فصل پرسش‌های عمده‌ای مطرح شده که بسیاری از دیدگاه‌های رابطه را به چالش می‌طلبد. آوردن فصل پنجم به این مفهوم است که مؤلف بسیاری از دیدگاه‌های رابطه را به چالش می‌طلبد. در حقیقت این تألیف فقط وصفی نیست و به بیان دیدگاه‌های ادبای رابطه اکتفا نشده است. سعی وافر نگارنده در تمام فصل‌ها بویژه در فصل پنجم بر تحلیل و اظهارنظر می‌باشد. هر چند که ممکن است ایراداتی بر نظرات شخصی نویسنده وارد باشد، اما به نظر می‌رسد که منافع و محاسن این روش بر گزارش نویسی و تألیف و گردآوری صرف ترجیح دارد.

ادبیات عرب از سال ۱۷۹۸م. نهضت خود را همزمان با حمله ناپلئون به مصر آغاز کرد. - هر چند که در کتب تاریخ ادبیات فقط از محاسن این حمله صحبت کرده‌اند، و پیرامون اهداف یورش، پیامدها و تبعات مخرب نفوذ فرهنگ غربی سکوت اختیار شده است. - بعد از گذشت دوران نهضت معاصر ادبی یا عصر احیاء، ادبیات عرب با جلوه‌های جدید و در دنیایی نوین مطرح شد و در دورانی نیز انتظار جهانیان و دنیای غرب را به خود جلب کرد. مهاجران عرب از سرزمین لبنان و سوریه در آمریکای شمالی و جنوبی رحل اقامت گزیدند. در آمریکای شمالی جبران خلیل جبران و میخائیل نعیمه و سائر دوستان آنان «الرابطه القلمیه» یا انجمن قلم و در آمریکای جنوبی، میشل معلوف و دوستانش «العصبه الاندلسیه» یا گروه اندلسی را تأسیس کردند.

کتاب حاضر تلاشی است در راستای چند هدف: ۱- بیان زمینه‌ها، عوامل و مقدمات جریان مهاجرت به آمریکا ۲- معرفی رابطه القلمیه، اهداف، اعضا و آثار آنان ۳- مطرح کردن و افزودن ویژگی‌های جدید به انجمن قلم در آمریکای شمالی که در منابع مربوط به آن بی‌سابقه است. ۴- به سبب مسیحی بودن بیشتر ادبا و التقاطی بودن خواستگاه‌های فکری آنها بویژه انجمن قلم به ریاست جبران خلیل جبران فصلی مستقل تحت عنوان نقد اندیشه‌های دینی جبران نیز اضافه شده است.

زمستان ۱۳۹۲

د. سردار اصلانی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

www.ketab.ir



ادبیات
معاصر
عربی
در
آمریکا